



دکتر ابراهیم پورزندى در گفت و گو با ماهنامه **بوردس** تشریح کرد

درک اندک حسابرسي داخلى از مديران گرفته تا حسابرسان!

بوردس حسابرسي به عنوان رشته‌اى واحد عمر نسبتاً کوتاهی در جهان دارد. اما همزمان با تحولات شتابان يك قرن گذشته اين حرفه نیز به سرعت خود را با شرایط و اوضاع و احوال زمان تطبیق داد و به عنوان دانشی تخصصی مطرح شد. در عین حال زیرشاخه‌هایی همچون کنترل داخلی به عنوان فرایندی پویا برای آن تعریف شد که مسئولیت مشخصی برای مدیریت به منظور محافظت از دارایی‌های مشهود و نامشهود و جلوگیری و تشخیص خطا و تقلب ناشی از اتلاف منابع سازمان، سهل‌انگاری، سوءاستفاده و مدیریت ضعیف در سطوح مختلف سازمان را بر عهده دارد و ضمن استمرار و متناسب با تغییرات در سطوح مختلف سازمان منعکس‌کننده وضعیت اقتصادی و مالی سازمان است. دکتر ابراهیم پورزندى، مدیرعامل گروه مالی ملت و رییس کمیته حسابرسي و عضو هیات مدیره بورس اوراق بهادار تهران معتقد است: «متأسفانه بسیاری از نفعان و مدیران شرکت‌ها هنوز درک صحیح و کاملی از خدمات و قابلیت‌های این حرفه ندارند و بنابراین طبیعی است که تصویری هم از انتظارات این حرفه نداشته باشند. در عین حال بسیاری از ارائه‌کنندگان این خدمات نیز درک مناسبی از آن ندارند و مسلم است خدماتی که ارائه می‌دهند نمی‌تواند متناسب با این مختصات کاری این حرفه باشد.» ادامه این گفت و گو را با هم می‌خوانیم.



یک شرکت قرار می‌دهد و تنها کارکرد درون سازمانی دارد. این مسئله، نقطه شروع تفاوت گزارش‌های حسابرسي داخلی با حسابرسي مستقل است. در واقع حسابرسي داخلی در خدمت مدیران و حسابرسي مستقل در خدمت ذی‌نفعان بیرونی قرار می‌گیرد. حسابرسي داخلی چه ویژگی متمایز دیگری دارد؟

همان گونه که اشاره کردید در حسابرسي داخلی، گزارش‌ها به مدیران شرکت ارائه می‌شود و به خارج از شرکت راه نمی‌یابد و در اختیار مجمع و دیگر ذی‌نفعان، قرار نمی‌گیرد. از طرفی حسابرسي داخلی ماهیت قانونی نداشته و روش انجام کار منطبق با نظام‌نامه حسابرسي و استانداردهای مربوط انجام می‌شود. از طرفی این نوع حسابرسي، محدود به بررسی‌های مالی نبوده و کل عملیات و حتی خدمات برون‌سپاری شده را نیز در بر می‌گیرد.

بوردس با این توصیف، نقش حسابرسي داخلی نظارتی است یا کنترلی؟ اگر سازمان‌ها را به سه لایه نظارتی - دوره‌ای؛ کنترلی - مستمر و اجرایی تقسیم کنیم، حسابرسان داخلی به عنوان یک واحد نظارتی به صورت دوره‌ای بر شرکت و فعالیت‌های آن نظارت دارند. در پی انجام این نظارت، توصیه‌های حسابرسي به توافق با مدیران و مسئولان اجرایی می‌رسد. در این میان، فرض بر این است که پس از اجرای توصیه‌های حسابرسي، سیستم کنترل‌های

در بسیاری از تعاریف ارائه شده از حسابرسي داخلی، فلسفه وجودی ایجاد این واحد را کنترل ریسک بنگاه اقتصادی دانسته‌اند. حسابرسي داخلی تا چه حد می‌تواند تصویر واقعی فرصت‌ها و تهدیدها را در برابر تصمیم‌گیران بنگاه اقتصادی قرار دهد؟

حسابرسي داخلی یک فعالیت اطمینان‌بخش و مشاوره‌ای است که به مدیریت یک بنگاه در خصوص وضعیت سیستم کنترل‌های داخلی یا مدیریت ریسک و همچنین کارایی کمک می‌کند. برای انجام این ارزیابی حسابرسي داخلی چهار رویکرد مبتنی بر «استراتژیک»، «ریسک»، «فرایند» و «تراکنش» دارد که با توجه به نوع موضوع حسابرسي، انتخاب می‌شود که به چه میزان از هر یک از مفاهیم و مبانی فوق در رسیدن به نتایج حسابرسي استفاده شود. حسابرسي داخلی برنامه کاری خود را با توجه به ارزیابی ریسک شرکت به صورت کامل برای یک دوره ۳ ساله تهیه می‌کند و آن را به تصویب کمیته حسابرسي می‌رساند. این برنامه با توجه به تغییرات به صورت سالانه مورد بازبینی و تصویب مجدد کمیته قرار می‌گیرد. گزارش‌های حسابرسي پس از انجام مأموریت‌ها و منطبق با زمانبندی ارائه شده در برنامه جامع تهیه و به واحدهای مسئول اجرای آن ابلاغ می‌شود.

بوردس پس حسابرسي داخلی گزارش‌های خود را تنها در اختیار مدیران

بوردس

دی‌ماه ۱۳۹۲ • شماره ۱۰۷

داخلی آن واحد، چرخه یا عملیات و همچنین میزان کارایی آن از الگوهای بهینه بهره‌مند شده و ریسک آن را به خوبی پوشش می‌دهد.

بورد اگر نقش نظارتی را برای حسابرسی داخلی قائل شویم، آیا ابزار این نظارت اعمال کنترل‌های داخلی است یا این دو تفاوت ماهیتی و ساختاری دارند؟

کنترل‌های داخلی متشکل از مجموعه فرایندها و سیاست‌هایی است که هر کدام، یک فعالیت خاص را مدیریت می‌کنند، بنابراین ماهیت آنها فرایندی یا سیاست‌های حاکم بر عملیات است. اما حسابرسی داخلی، فرایند منظمی است که اثربخشی و کارایی این سیستم را ارزیابی و برای بهبود آن به مدیریت سازمان، کمک می‌کند.

بورد پس حسابرسی داخلی می‌خواهد ریسک‌های سازمان را شناسایی کرده و مدیران را برای تصمیم‌گیری درباره آنها آماده کند؟

ببینید به منظور پیشبرد اهداف یک شرکت باید عواملی را که موجب عدم دستیابی به آن اهداف می‌شود، مدیریت کرد. این عوامل را می‌توان در یک کلمه به «ریسک» خلاصه کرد. داشتن کنترل‌های داخلی در حین انجام فرایندها، فعالیت‌ها و سیاست‌های یک شرکت کمک می‌کند که این ریسک کنترل و مدیریت شود. اما باید مطمئن بود که سیستم تا حدی نیز باید اشتباهی ریسک را داشته باشد. به هر میزان که این اشتباه کاهش یابد سطح کنترل‌ها نیز افزایش یابند.

بورد در سازمان‌ها، مسئولیت استقرار و پیشبرد کنترل‌های داخلی به عهده چه بخشی است؟

همانطور که در پرسش‌های قبلی اشاره شد یک سازمان از لحاظ کنترلی به سه بخش نظارت - دوره‌ای، نظارت - کنترل مستمر و اجرا تقسیم می‌شود که مسئولیت استقرار و نظارت بر کنترل‌های داخلی بیش از هر یک از این طبقه‌ها، متوجه بخش اجرایی می‌شود. این بخش از مدیران اجرایی که کنترل‌های پیش از وقوع (Before The Fact) را انجام می‌دهند، تشکیل شده است. این دسته از مدیران با توجه به شناخت فعالیت و ریسک‌های مربوط به کنترل‌های یادشده، مسئولیت استقرار سیستم کنترل داخلی و نظارت بر اجرایی شدن آن در حین انجام هر یک از تراکنش‌ها را بر عهده دارد.

نظارت یا کنترل مستمر مشتمل است از واحدهایی که مثل واحد مدیریت ریسک، بخش مالی، بخش‌هایی از ستاد یا پشتیبانی مسئولیت ارائه خدمات مشاوره و همچنین اطمینان از اجرایی شدن کنترل‌ها و نظارت بر آنها را به صورت مجمعی، ولی مستمر دارند. این استمرار می‌تواند روزانه - مثل مغایرت گیری اقلام باز بانک‌ها - هفتگی یا ماهانه - مثل مغایرت بودجه - باشد. به بیان دیگر، نظارت دوره‌ای، مسئولیت واحد حسابرسی داخلی است که به صورت سالانه یک فعالیت را ارزیابی کرده و از نظر اثربخشی و کارایی سیستم کنترل‌های داخلی نسبت به آن اظهار نظر می‌کند.

بورد با توجه به مرور ادبیات موضوع، وضعیت استقرار حسابرسی داخلی در ایران چگونه است؟ آیا توان فنی و اجرایی لازم برای تهیه گزارش‌های حسابرسی داخلی وجود دارد؟

به این نکته توجه کنید که حسابرسی واقعی در ۱۰ سال گذشته تاکنون تحول بزرگی را تجربه کرده است. پیچیده‌تر شدن محیط کسب و کار، رقابت و محصولات قابل ارائه به بازار جای تعجب نیست که چرا این حرفه مدام در حال تحول است. در کشور ما تا همین ۳ سال پیش فعالیت حسابرسی داخلی

به صورت سنتی انجام می‌شد. تا اینکه با انتقال فناوری توسط یکی از موسسات حسابرسی به ایران، استفاده از شیوه‌های نوین مورد توجه قرار گرفت. در حال حاضر هم حسابرسی داخلی به صورت سنتی در بسیاری از شرکت‌ها انجام می‌شود و هم شرکت‌ها و هم حسابرسان توانایی انجام این کار را دارند. اما اگر منظور شما انجام حسابرسی به نحوه نوین - مانند آنچه در کشورهای پیشرفته انجام می‌شود - باشد، باید گفت که تنها تعداد معدودی در ایران هستند که از این شیوه‌های نوین استفاده می‌کنند. انجمن حسابرسان داخلی ایران نیز به تازگی دوره‌ای را با عنوان حسابرسی داخلی در عمل برگزار کرد که شیوه نوین حسابرسی داخلی را آموزش می‌داد. قدر مسلم، ارائه آموزش‌های کاربردی هم هنوز تضمینی برای پیاده‌سازی این حرفه که یک فعالیت عملی است، به شمار نمی‌رود، اما گام بسیار خوبی در این راستا محسوب می‌شود.

بورد چه چالش‌هایی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های حسابرسی داخلی در شرکت‌ها وجود دارد؟

متأسفانه بسیاری از ذی‌نفعان و مدیران شرکت‌ها هنوز درک صحیح و کاملی از خدمات و قابلیت‌های این حرفه ندارند و بنابراین طبیعی است که تصویری هم از انتظارات این حرفه نداشته باشند. در عین حال، بسیاری از ارائه‌کنندگان این خدمات نیز درک مناسبی از آن ندارند و مسلم است خدماتی که ارائه می‌دهند نمی‌تواند متناسب با این مختصات کاری این حرفه باشد. اگر این موضوع درست مدیریت نشود، احتمال صدمه زدن به وجهه این حرفه وجود دارد. همچنین باید اشاره کرد که منابع مناسب و گسترده‌ای هم در این خصوص به زبان فارسی در دسترس نیست؛ ضمن آنکه به دلیل جدید بودن این بخش، نیروهای کارآمد در بازار کار به سختی در دسترس هستند و با توجه به کمبود نیرو، بازار کار آن بسیار رقابتی است.

بورد آیا تاسیس انجمن خاص این حرفه و آموزش‌هایی که سایر انجمن‌های تخصصی مالی در این زمینه انجام می‌دهند، توانسته کمکی به کم کردن یا رفع این چالش‌ها کند؟

بله، اما با وجود زحمات زیادی که کشیده شده، هنوز راهی طولانی در پیش است. بنابراین، بسیاری از این چالش‌ها دست به دست داده تا مشکلاتی بر سر راه اجرایی شدن دستورالعمل کنترل‌های داخلی به وجود بیاید. اگر به گستردگی این مقوله حتی در یک سال گذشته نگاه و آن را با امروز مقایسه کنیم، می‌بینیم که مسیری مناسب طی شده است؛ اما قطعاً پیاده‌سازی این دستورالعمل و حسابرسی داخلی نوین نیز مشمول گذشت زمان بوده و به‌زودی از فراگیری لازم نیز برخوردار خواهد شد.

بورد چه راهکارهایی را برای شناساندن و استقرار هر چه بهتر حسابرسی داخلی در شرکت‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

نخست اینکه در صورت انجام این خدمات در شرکت‌ها باید به موارد کیفی بیش از موارد کمی - از قبیل مبلغ حق الزحمه - توجه شود، چون استفاده از این خدمات برای بهبود عملیات شرکت است و بار قانونی ندارد. لزوم توجه به بعد فرهنگ‌سازی هم نیازی به توضیح دادن ندارد و باید مقالات و کتب فراوانی در این زمینه ترجمه و تألیف شود. انجمن‌ها و سازمان‌های نظارتی هم می‌توانند در چاپ و ترویج این اقلام فرهنگی کمک کنند. از طرفی باید سعی شود ارتباطی موثر بین جامعه حرفه‌ای حسابرسی داخلی ایران و سایر موسسات حرفه‌ای بین‌المللی ایجاد شود تا از تجربیات و دانش این قبیل نهادها استفاده کنیم. در نهایت هم معتقدم که با برگزاری جلسات و سمینارهای تخصصی برای مدیران شرکت‌ها و ذی‌نفعان، می‌توان ضمن آموزش این خدمات، درک و دانش مخاطبان این خدمات را نسبت به کیفیت مورد انتظار از این حرفه، ارتقاء داد.